تحلیل عناصر تهدید سیاسی- امنیتی در نظام تقسیمات کشوری ایران

هادی اعظمی[1*]، علی‌اکبر دبیری[2]

1- استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
2- دانش‌آموختهٔ جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دریافت: 89/12/4 پذیرش: 90/11/1

چکیده

تقسیمات کشوری یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای حکومت در سازمان‌دهی سیاسی فضاست. در ایران نیز تقسیم‌بندی فضای کشور به واحدهای کوچک‌تر دارای سابقهٔ دیرینه‌ای است و از شکل‌گیری اولین حکومت سرزمینی (هخامنشیان) تا به امروز، برای اداره و کنترل مطلوب‌تر فضای سرزمین به‌کار رفته است. نقش و کارکرد تقسیمات کشوری و ارتباط مستقیم آن با بقای ملی، تسهیل اعمال ارادهٔ حکومت، کنترل فضای سرزمین و... نشان‌دهندهٔ اهمیت کارکرد سیاسی- امنیتی نظام تقسیمات کشوری است. اما در ایران وجود پاره‌ای از عوامل تهدیدآفرین در نظام تقسیمات کشوری باعث ضعف و ناکارآمدی تقسیمات کشوری موجود در عمل به وظایف خود شده است. در این میان، تهدیدهای سیاسی و امنیتی به‌دلیل ماهیت خود دارای اهمیت بسزایی هستند. در این پژوهش، هفت عامل شامل افزایش تمرکز سیاسی- اقتصادی، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور، شکل‌گیری رقابت‌های محلی و ناحیه‌ای، شکل‌گیری حفره‌های دولت، رخنهٔ عوامل غیررسمی در نظام تقسیمات کشوری، بی‌توجهی به مشارکت مردم و تک‌عامله بودن قانون تقسیمات کشوری به‌عنوان مهم‌ترین عناصر تهدید سیاسی- امنیتی نظام تقسیمات کشوری تجزیه و تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: سازمان‌دهی سیاسی فضا، نظام تقسیمات کشوری، ایران، تهدیدهای تقسیمات کشوری.

---

*نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: aazami@um.ac.ir

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

1- مقدمه

سازمان‌دهی سیاسی فضا[1] به مجموعه‌ای از ابزارها و روش‌ها گفته می‌شود که توسط قدرت سیاسی حاکم (حکومت و نهادهای وابسته به آن) برای کنترل، مدیریت و بهره‌برداری مناسب‌تر از فضا مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ابزارها و روش‌هایی مانند تقسیمات کشوری[2]، بازارچه‌های مرزی[3]، مناطق آزاد تجاری[4] و هرآنچه در راه کنترل و مدیریت بهتر فضا مورد استفاده قرار گیرد. پیشرفت، توسعه، عدالت محیطی و برقراری امنیت بنیاد مدیریت سیاسی فضای[5] ملی به‌شمار می‌آیند (کاویانی‌راد، 1389: 45).

تقسیمات کشوری به‌عنوان یکی از این ابزارها، به سلسله‌مراتب اداری- سیاسی در تقسیم هر کشور به واحدهای کوچک‌تر برای سهولت ادارهٔ آن و تأمین امنیت و بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی گفته می‌شود. این تقسیم‌بندی گاه بر مبنای تاریخ و فرهنگ، اوضاع جغرافیایی و جمعیت و گاه بر حسب ملاحظات سیاسی صورت می‌پذیرد (دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور، 1378). فقط در مورد کوچک‌ترین کشورهاست که امکان دارد از پایتخت آن، بدون اتخاذ یک یا چند طبقهٔ واسط اداری، به‌طور کامل و مستقیم بر سرزمین آن کشور حکومت کرد (مویر، 1379: 51). کارکرد تقسیمات کشوری که شاید مورد توجه تمام نظام‌های سیاسی باشد عبارت است از تأمین امکانات و خدمات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی (احمدی‌پور و منصوریان، 1385: 369). درواقع، هدف کلی تقسیمات کشوری تهیهٔ چارچوب مناسبی برای تداوم بقای ملی، امنیت ملی و تسهیل توسعهٔ متوازن منطقه‌ای است (کریمی‌پور، 1381: 4).

تصمیم‌گیری‌های مرتبط با فضای جغرافیایی هر کشوری می‌تواند از بعد امنیت داخلی بسیار تأثیرگذار باشد. تصمیم‌های نادرست از آن جهت که ممکن است همگرایی ملی را کاهش دهند و یا به واگرایی‌ها در مناطق مختلف منجر شوند، در امنیت ملی مورد توجه واقع

1. political organize of Space
2. administrative divisions
3. frontier markets
4. regions free
5. space political management

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

شده‌اند. آثار و پیامدهای این نوع تصمیم ها مانند ایجاد قطب‌های رقیب در یک منطقه، خشونت و آشوب‌های اعتراض‌آمیز، تقاضای فزاینده برای استفادهٔ بیشتر از منابع، کاهش مشارکت‌های مردمی در امور محلی، تشدید همگرایی افراطی قومی و مذهبی و... می‌توانند به‌نوعی پیامدهای امنیتی برای کشور در سطح داخلی داشته باشند و حتی در سیاست‌های خارجی نیز مؤثر واقع شوند (اخباری و یداللهی، 1384: 28). آنچه مسلم است این است که در کار تقسیم‌بندی کشور، هدف، به‌دست دادن واحد یا واحدهایی است که قابلیت اداره و بهره‌برداری بیشتر و بهتری در تأمین هدف‌های مورد نظر داشته باشند (بدیعی، 1362: 214). بنابراین، با توجه به اهمیت و نقش تقسیمات کشوری در اعمال حاکمیت دولت و کنترل فضای سرزمین، شناسایی کاستی‌ها و نارسایی‌های نظام تقسیمات کشوری الزامی است. در نظام تقسیمات کشوری کنونی ایران منابع تهدید و نارسایی‌های متعددی مشاهده می‌شود. از این میان، تهدیدهای سیاسی- امنیتی با هفت چالش اساسی یکی از مهم‌ترین تهدیدهای نظام تقسیمات کشوری به‌شمار می‌آیند.

2- روش تحقیق

روش مطالعهٔ این پژوهش با توجه به ویژگی‌های خاص آن، تحلیلی- توصیفی و مبتنی بر استدلال و تحلیل است. در جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های گوناگون استفاده شده است و به‌طور کلی، مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و منابع آماری مرکز آمار ایران و وزارت کشور است. در این پژوهش، با توجه به ویژگی‌های خاص آن، تلاش شده است به‌اندازهٔ کافی از نقشه و نمودار استفاده شود.

3- عناصر تهدید سیاسی- امنیتی نظام تقسیمات کشوری ایران

3-1- افزایش تمرکز اداری- سیاسی

تمرکز[1] نظام و شیوه‌ای است که در آن تصمیم‌ها در تمام امور عمومی (ملی و محلی) توسط مرکز سیاسی و اداری که معمولا در پایتخت قرار دارد، اتخاذ و اجرا می‌شود

1. centralization

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

(سنجابی، 1342: 42). در این حالت، قدرت و اختیار اداره و اجرای امور در سازمان‌های مرکزی تجمع یافته است (طاهری، 1370: 100). عدم تمرکز[1] نظام و شیوه‌ای است عکس نظام متمرکز؛ در این نظام امور ملی و محلی توسط سازمان‌های اداری و سیاسی واحد اداره نمی‌شود؛ بلکه امور ملی توسط سازمان‌های مرکزی و امور محلی توسط سازمان‌های محلی که در نقاط مختلف خارج از حوزهٔ فعالیت سازمان مرکزی استقرار دارند انجام می‌شود (نبوی، 1351: 41). درواقع، ماهیت اصلی تمرکز و عدم تمرکز مربوط می‌شود به میزان اختیار و قدرتی که مقامات رده‌بالای تشکیلات جهت تصمیم‌گیری برای خود قائل می‌شوند (رحمان‌سرشت، 1372: 11).

در ایران نیز تا قبل از حکومت پهلوی، روابط فاصله‌ای، جغرافیای زمان و فضا و تنوع محیطی ایران، به هیچ سلسله‌حکومتی اجازهٔ تمرکز اداری- سیاسی با شاخص‌های امروزی را نمی‌داد (کریمی‌پور و محمدی، 1388: 208). حتی بعد از انقلاب مشروطه و تصویب قانون ایالات و ولایات در سال 1285ش، انجمن‌های ایالتی و ولایتی به‌مثابهٔ قوانین مصوب تشکیل یافتند و جلوه‌هایی از عدم تمرکز و توزیع منطقه‌ای و جغرافیایی اقتدار را به نمایش گذاشتند. اما با کودتای اسفند 1299ش رضاشاه، جریان امور در جهت تمرکز قدرت قرار گرفت. با آغاز سلطنت رضاشاه در آبان 1304ش و تحکیم و تثبیت قدرت فردی او، تمرکز قدرت سیاسی در جهت‌ها و جنبه‌های گوناگون شکل گرفت و به یاری ابزارها و سازوکارهای نوین، ابعاد و گستردگی بی‌سابقه‌ای پیدا کرد (مدیرشانه‌چی، 1379: 71-72). تمرکز شکل‌گرفته در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و حتی بر شدت آن نیز افزوده شد. این امر باعث شکل‌گیری تمرکز ذاتی فضایی در ایران شد که در آن، قدرت سیاسی- اداری کاملا در دست حکومت مرکزی قرار دارد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، 1383: 33). در این میان، تقسیمات کشوری به ابزاری در دست حکومت مرکزی برای تحکیم و تثبیت تمرکز اداری- سیاسی تبدیل شد. با افزایش تعداد استان‌ها، رشد بوروکراسی دولتی و گسیل گماردگان حکومت مرکزی به استان‌ها و

1. decentralization

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

شهرستان‌ها، زمینه‌ها و ابزارهای مؤثر حفظ و تقویت و بسط و تعمیم قدرت حکومت در سطح کشور فراهم آمد (احمدی‌پور و منصوریان، 1385: 71). این درحالی است که یکی از کارکردهای اصلی تقسیمات کشوری، کاستن از تمرکز تصمیم‌گیری‌ها و افزایش اختیارات مسئولان محلی است.

بین سال‌های 1316 تا 1385 در ایران، شاهد افزایش تعداد واحدهای تقسیمات کشوری بوده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که تعداد استان‌ها سه‌برابر، شهرستان‌ها هفت‌برابر و بخش‌ها سه‌برابر شده است. اما از آنجایی که هریک از این واحدها از لحاظ اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص بودجه و امکانات به‌طور سلسله‌مراتبی به واحدهای بالاتر و در نهایت به حکومت مرکزی وابسته‌اند، افزایش تعداد واحدهای تقسیمات کشوری نه‌تنها باعث کاهش تمرکز اداری- سیاسی در کشور نشده؛ بلکه موجب گسترش دیوان‌سالاری و تمرکز بیش از پیش طرح‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها در مقیاس ملی شده و بر تمرکزگرایی حکومت افزوده است. به‌گونه‌ای که طبق قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، عناصر تقسیمات کشوری از لحاظ اداری: دهستان تابع بخش، بخش تابع شهرستان، شهرستان تابع استان و استان تابع تشکیلات مرکزی است (قالیباف، 1386: 89). بنابراین ایجاد، انحلال، انضمام، تفویض و محدودهٔ اختیارات آن‌ها با حکومت مرکزی است و اختیارات مستقلی ندارند.

یکی از اهداف اصلی تقسیمات کشوری، سهولت در ادارهٔ امور محلی و منطقه‌ای، ایجاد توسعهٔ متوازن منطقه‌ای و به‌طور خلاصه تمرکززدایی است؛ اما نظام تقسیمات کشوری در ایران نتوانسته به این وظیفه عمل کند. علاوه‌بر این، افزایش تعداد واحدهای تقسیمات کشوری به‌نحوی در افزایش تعداد کارکنان دولت نیز تأثیرگذار بوده؛ به‌گونه‌ای که کارکنان دولت از 300/000 نفر در سال 1345 به 662/700 در سال 1355 و 2/360/320 نفر در سال 1380 افزایش یافته است؛ یعنی در مدت 35 سال 787 درصد رشد داشته است (خوبروی، 1377: 154). همچنین، رشد60 درصدی پست‌های مدیریتی و طراحی شغل‌های جدید مدیریتی که هرکدام هزینه‌هایی را به بودجهٔ عمومی کشور

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تحمیل می‌کنند (رهنما و احمدی‌پور، 1382: 47)، باعث گسترش بوروکراسی و بزرگ شدن دولت و درنتیجه تمرکز بیشتر حکومت شده است. در مجموع، در ایران حکومت- که دارای ساختاری متمرکز است- با طراحی و تدوین نظام تقسیمات کشوری باعث افزایش تمرکز اداری- سیاسی و درنتیجه تقویت و تثبیت حکومت متمرکز می‌شود و این فرایند به‌صورت یک چرخه ادامه دارد (شکل 1).

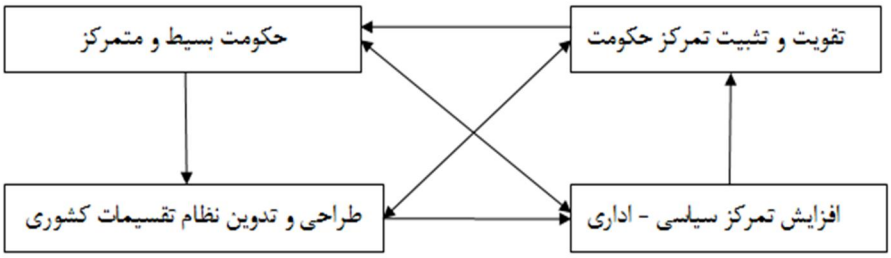

شکل 1 رابطهٔ متقابل بین تمرکز حکومت، نظام تقسیمات کشوری و افزایش تمرکز سیاسی- اداری در ایران

(منبع: نگارندگان)

افزایش تمرکز اداری- سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های تقسیمات کشوری ایران در ایجاد برخی دیگر از تهدیدهای تقسیمات کشوری نیز مؤثر بوده است؛ تهدیدهایی مانند شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی و جغرافیایی میان استان‌ها، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور، بی‌اعتنایی به مشارکت مردمی، بی‌ثباتی نظام تقسیمات کشوری و رخنهٔ عوامل غیررسمی.

3-2- بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی[1] کشور

فرهنگ، مجموعه عناصر عینی، ذهنی و یادگار مشترک نسل‌های متوالی گروه‌های انسانی است که قابلیت انتقال و انتشار را طی زمان و گسترهٔ فضا دارد. فرهنگ مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع

1. cultural geography

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

هویت است و محیط‌های جغرافیایی، تجسم فضایی فرهنگ‌ها و هویت‌های خرد و کلان به‌شمار می‌روند (کاویانی‌راد، 1389: 65). هویت هر ملت در درجهٔ نخست، زاییدهٔ محیط جغرافیایی آن ملت است (بهاروند، 1380: 259). در ایران نیز ویژگی‌های طبیعی کشور زمینه و علت تنوع اجتماعی آن به‌شمار می‌رود (کاظمی، 1376: 114). از نظر گروه‌های قومی، ایران کشوری متنوع است. شاخص‌های مهم قومی عبارت‌اند از: خودآگاهی قوی، زبان مادری و سرزمین نیاکان (شیخاوندی، 1369: 76). جامعهٔ مشترک ایرانیان از اقوام و فرهنگ‌های محلی متنوعی تشکیل شده و هرکدام از این فرهنگ‌ها و اقوام، علاوه‌بر هویت مشترک ایرانی و اسلامی، دارای خرده‌فرهنگ‌ها و هویت‌های منطقه‌ای و محلی خاص خود نیز هستند. به همین دلیل است که جامعهٔ ایران را چندقومی یا چندفرهنگی می‌نامند (اخباری و ذوالفقاری، 1388: 45). در ایران، ویژگی‌های متمایزکنندهٔ اقوام از یکدیگر- به‌ویژه- بر مؤلفه‌های زبانی، مذهبی و نژادی متمرکز شده است (پیشگاهی فرد و امیدی آوج، 1388: 48).

از لحاظ فرهنگی، ایران را می‌توان به دوازده منطقه تقسیم کرد که شامل ناحیهٔ فرهنگی مرکزی (فارس)، آذربایجان، کردستان، بلوچستان، لرستان، بختیاری، خوزستان (عرب‌ها)، ترکمن، سیستان، مازندران، گیلان، هرمزگان و بوشهر و فارس جنوبی است (پورموسوی و دیگران، 1387: 81-85). از سوی دیگر، با توجه به تنوع در استان‌ها، انطباق کاملی با محدوده‌های قومی و سیاسی- اداری (در اکثر استان‌ها) مشاهده نمی‌شود. این موضوع در استان‌هایی که اقلیت‌های قومی آن‌ها کمتر از 10 تا 15 درصد هستند و بقیهٔ جمعیت را قومی واحد تشکیل می‌دهند، اهمیت ندارد؛ یعنی هرچند در استان‌های کشور تنوع قومی دیده می‌شود، بحث عدم انطباق محدوده‌های قومی و سیاسی- اداری با یکدیگر در همه استان‌ها یکسان نیست. در استان‌هایی مانند گلستان (ترکمن و فارس)، آذربایجان غربی (ترک و کرد)، خوزستان (عرب و فارس)، همدان (ترک، کرد و فارس) و تاحدی استان ایلام (کرد و لر)- که جمعیت آن ها به‌طور نسبتاً متعادلی بین چند قوم تقسیم شده- موضوع تنوع قومی و عدم انطباق واحدهای قومی و سیاسی با یکدیگر از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. درحالی که در دیگر استان‌های کشور یک قوم غالب وجود دارد و اقلیت‌های قومی کمتر از 10 تا 15 درصد است و تنوع قومی چندان اهمیتی ندارد (افروغ و رضوانی، 1379: 19). عدم انطباق نظام تقسیمات کشوری با جغرافیای

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

فرهنگی کشور و نواحی فرهنگی داخل نتایج مثبتی مانند کنترل واگرایی، تقویت هم‌بستگی و حفظ یکپارچگی سرزمین را داشته است؛ اما پیامدهای منفی مانند غالب شدن یک گروه فرهنگی، توسعهٔ نامتوازن منطقه‌ای، رقابت‌های درون‌فضایی (قومی- مذهبی)، نخبه‌کشی فرهنگی و همچنین کاهش مقبولیت نظام را نیز به‌همراه داشته است (پورموسوی و دیگران، 1387: 81-85). از نظر میزان اثرپذیری استان‌ها در شکل‌گیری خود از مؤلفه‌های قومی- زبانی، وضعیت جغرافیای طبیعی و وضعیت مذهبی منطقه، به‌ترتیب استان‌های کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، ایلام، آذربایجان شرقی و اردبیل دارای بیشترین اثرپذیری بوده‌اند (حافظ‌نیا و دیگران، 1385: 19).

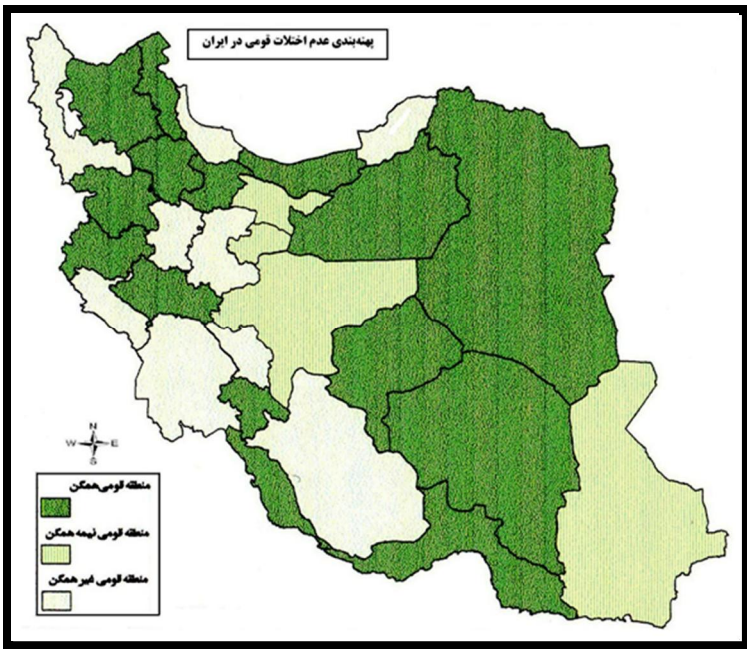

شکل 2 میزان همگنی قومی در هریک از استان‌ها

(منبع: دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور، 1379)

بنابراین، نظام تقسیمات کشوری مانع از قرارگیری اکثریت قومی- مذهبی از میان اقلیت‌های کشور در درون یک استان شده است. اما از آنجایی که یکی از اهداف تقسیمات کشوری

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

عرضهٔ خدمات بهتر و مناسب‌تر به مردم است، توجه به جغرافیای فرهنگی کشور و شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی میان مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی کشور- که یکی از اصول جغرافیای ناحیه‌ای است- می‌تواند زمینهٔ کارکرد مناسب ناحیه‌ای، توسعهٔ متوازن منطقه‌ای، مشارکت بیشتر شهروندان، کاهش رقابت‌های قومی و مذهبی و درنتیجه افزایش همگرایی ملی را به دنبال داشته باشد. بنابراین، مناسب‌ترین الگوی سیاست قومی، الگویی است که معطوف به تقویت هم‌بستگی و انسجام ملی باشد و موجب تحقق نوعی هویت و وحدت ملی شود. دست‌یابی به چنین وضعیت مطلوبی باید هدف اصلی سیاست قومی و نیز اهداف کلان سیاست‌گذاری فرهنگی درنظر گرفته شود و این مهم به اتخاذ سیاست قومی «وحدت در تکثر قومی» وابسته است (حاجیانی، 1387: 521). در این میان، سازمان‌دهی سیاسی فضاهای قومی در قالب نظام تقسیمات کشوری نقش بی‌بدیل و انکارناپذیری دارد.

3-3- رخنهٔ عوامل غیررسمی در نظام تقسیمات کشوری

عوامل غیررسمی که الگوی تقسیمات کشوری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نه شامل عوامل رسمی و قانونی می‌شوند که در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به آن‌ها اشاره شده است و نه می‌توان آن‌ها را از لحاظ علمی و فنی بررسی کرد. عوامل غیررسمی حتی در زمرهٔ عوامل جغرافیایی- سیاسی، امنیتی و راهبردی نیز نمی‌گنجد؛ بلکه شامل آن دسته از افراد، گروه‌ها و لابی‌ها در ساختار حکومت یا خارج از آن است که با نفوذ و قدرتی که در اختیار دارند، بدون توجه به شاخص‌های قانونی و علمی، باعث شکل‌گیری یا ارتقای یک واحد سیاسی- ادرای می‌شوند. البته، گاه این اشخاص و گروه‌ها مانع از شکل‌گیری و ارتقای واحدها می‌شوند که از لحاظ شاخص‌های قانونی و رسمی، شرایط مورد نیاز را دارا هستند. شاید رخنهٔ عوامل غیررسمی برای ارتقای واحدهای سیاسی تاحدودی ناشی از نادیده انگاشتن پیوندهای عاطفی و سیاسی مردم و مکان‌ها از سوی طراحان و قانون‌گذارن باشد یا دست‌کم خصلت‌های ملی قدرت مانور به نیروهای پنهان یا دولت‌های سایه را در تقسیمات کشوری بدهد. اما تا آنجا که به گروه‌های پنهان قدرت مرتبط است، نقش اساسی در تغییرات این ترتیبات تابع جغرافیای قدرت[1] است. در این‌باره، جغرافیای

1. geography of power

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

حمایت[1] در ارتقای شهرستان اردبیل و قم تا سطح استان، نقش بزرگی ایفا کرد (کریمی‌پور، 1381: 11). جغرافیای قدرت به دو صورت در نظام تقسیمات کشوری تأثیرگذار بوده است: یکی پیروی نکردن از قانون تقسیمات کشوری به‌لحاظ احراز شرایط قانونی و دیگری سرعت در ارتقای واحدهای سیاسی (احمدی‌پور و دیگران، 1388: 42). در هر صورت، تأثیر عوامل غیررسمی (جغرافیای قدرت و حمایت) در شکل‌دهی به الگوی تقسیمات کشوری، موضوعی انکارناپذیر است. تأثیر این عوامل در نظام تقسیمات کشوری پیامدهای منفی خواهد داشت؛ ازجمله:

1- تلاش برای ایجاد لابی‌های قدرت و حمایت به‌منظور شکل‌دهی و ارتقای واحدهای سیاسی در میان نخبگان نواحی مختلف کشور؛

2- کاهش اهمیت و کارکرد قوانین تقسیمات کشوری و حاکم شدن عوامل غیررسمی و سیاسی بر مبانی علمی و منطقی برای شکل‌گیری و ارتقای واحدهای سیاسی؛

3- شکل‌گیری رقابت‌های منفی محلی و ناحیه‌ای و گسترش نارضایتی عمومی؛

4- بی‌توجهی به نیازهای واقعی و وابستگی‌های عاطفی و مکانی مردم و درنتیجه عملکرد ضعیف نظام تقسیمات کشوری و ناموفق بودن آن در دست‌یابی به اهداف اصلی خود.

3-4- شکل‌گیری حفره‌های دولتی

واگرایی از قانون و حکومت مرکزی، نوعی گسستگی ارزشی در زمینهٔ قواعد و الگوهای قانونی است که نظم بیرونی جامعه را برقرار می‌کند (کاویانی‌راد، 1389: 231). نپذیرفتن و مقبول نبودن قوانین حقوقی و قضایی در جامعه باعث می‌شود اختلاف‌ها بیرون از چارچوب قانونی حل و فصل شود و درنتیجه، میان حکومت قانونی و اقتدار سنتی ستیزی به‌وجود آید که واگرایی را دامن می‌زند و بحران را زیاد می‌کند. این امر در پاره‌ای از موارد باعث شکل‌گیری مناطقی می‌شود که اقتدار و حاکمیت حکومت در آنجا نادیده گرفته می‌شود. این مناطق که به حفره‌های دولتی[2] معروف‌اند، نواحی‌ای هستند که نظارت‌های معمول دولت در آنجا مشاهده نمی‌شود. موارد قانونی همیشه وجود داشته است؛ اما به‌ویژه با ظهور صنعت بزرگ و بین‌المللی مواد مخدر

1. geography of support
2. holes in the state

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

و فرهنگ آن، حفره‌های دولت درحال بزرگ شدن هستند. گاهی این حفره‌ها نشان‌دهندهٔ محله‌ها، بخش‌ها یا مجتمع‌های مسکونی‌ای هستند که در آن‌ها، اقتدار از دولت و ادارات آن بـه اراذل و اوباش هرج و مرج طلب محلی، پدرخوانده یا تبهکاری سازمان‌یافته منتقـل شـده اسـت. ایـن حفره‌ها ممکن است نواحی چشمگیری از شهرهای بزرگ را دربرگیرند و بعید نیست گسترش یابند و تمام کشور را احاطه کنند (مویر، 1379: 201-202).

با افزایش «حفره‌های دولت» که به‌صورت «مناطق مـلال‌آور» یـا- در گسـتره‌ای متفـاوت- «نقاطی جرم‌خیز» درآمده‌اند، دامنهٔ اقتدار دولت تاحدی کاهش می‌یابد؛ کـاهش اقتـدار موجـب کوچک شدن «نواحی کارآمد دولت[1]» مـی‌شـود و کارآمـدی «محـور- حاشـیه[2]» را کـه در آن سلسله‌مراتب حاکمیت از مرکز به پیرامون مشاهده می‌شود، دگرگون می‌کنـد (پیشـگاهی فـرد، 1385: 3). درواقع، حفره‌های دولتی مناطقی هستند با مقیاس‌هـای مختلـف کـه در آن قـوانین دولتی رعایت نمی‌شود و حاکمیت و اقتدار حکومت به چالش کشیده می‌شـود. در ایـران نیـز حفره‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در مقیـاس و منـاطق متعـدد وجـود دارند؛ اما بزرگ‌ترین و چالش‌برانگیزترین حفرهٔ دولتی منطبق بـر مسـیرهای ورود و ترانزیـت مواد مخدر است. این حفره‌ها بخش‌هایی از استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان جنوبی را شامل می‌شوند که وجههٔ مشخصهٔ آن‌ها فعالیت‌های مسلحانهٔ قاچاقچیان مواد مخـدر و شرارت‌های گروهک‌های تروریستی (جندالله) مخالف با نظام جمهوری اسلامی ایران است. این محدوده‌ها شامل مناطقی می‌شوند که در آن‌ها بحران دائمی و خفیف شـکل گرفتـه اسـت (شکل 3).

1. effective state area
2. core- periphery

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

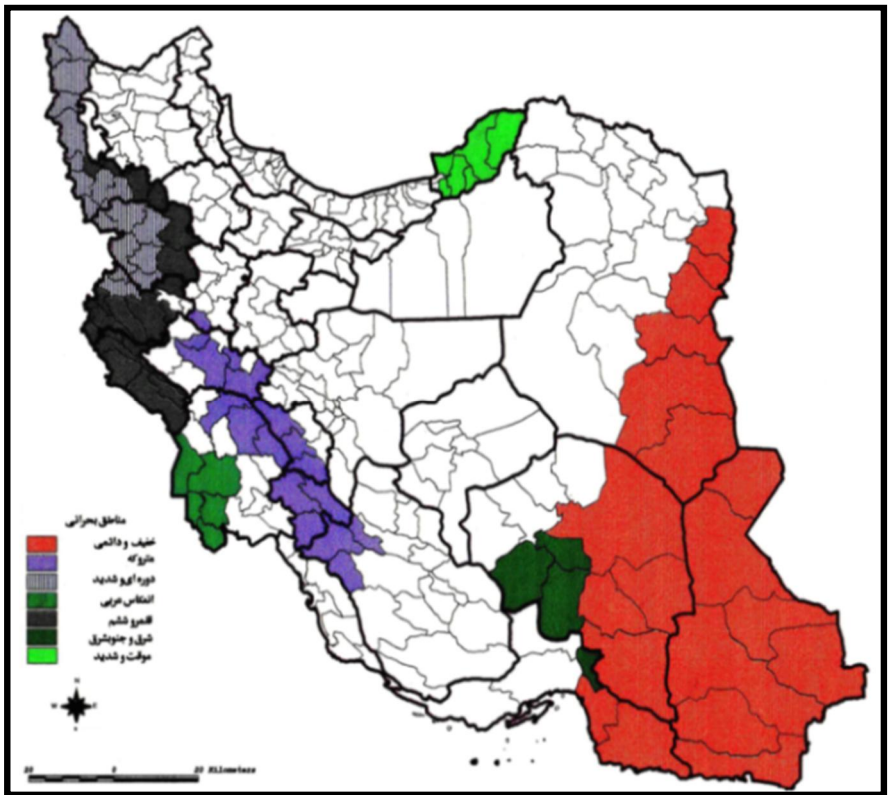

شکل 3 مناطق بحرانی کشور

(منبع: دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور، 1378)

اگرچه در شکل‌گیری این مناطق در سه استان شرقی و جنوب‌شرقی ایران دلایل مختلف داخلی، خارجی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی نقش‌آفرین بوده‌اند، سازمان‌دهی سیاسی فضا در قالب تقسیمات کشوری نیز نتوانسته است مدیریت و کنترل مناسبی بر این فضاها به‌عمل آورد و به یکی از اهداف اصلی خود که همان اعمال و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطوح سیاسی و فضاهای جغرافیایی است دست یابد. بنابراین، مشاهده می‌شود یکی از چالش‌های اصلی سازمان‌دهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری در مناطق شرقی و جنوب‌شرقی، شکل‌گیری حفره‌های دولتی و مناطق ملال‌آور است که در پاره‌ای از موارد امنیت ملی کشور را نیز به چالش می‌کشند.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

3-5- شکل‌گیری رقابت‌های ناحیه‌ای و محلی

نظام تقسیمات کشوری موجود و روند روبه‌رشد واحدهای سیاسی- اداری باعث گسترش رقابت‌های ناحیه‌ای برای شکل‌گیری و ارتقای وضعیت واحدهای سیاسی سطوح مختلف تقسیمات کشوری شده است. این خواست‌ها زمینهٔ پیدایش کانون‌های جدید ناامنی ناحیه‌ای و محلی است. در کشوری که هنوز اندیشه‌های ایلیاتی و قومی در آن نفوذ دارد، رقابت‌های ناحیه‌ای و محلی ابزار مناسبی برای رشد این تقاضاها شده است. درواقع، ارتقای سیاسی یک ناحیه زمینهٔ درخواست رقابت‌جویانهٔ نواحی همسایه را فراهم می‌کند (کریمی‌پور و محمدی، 1388: 179-180). بنابراین، یکی از چالش‌های فعلی تقسیم‌بندی فضای سرزمین در ایران، تقاضا برای ایجاد و ارتقای واحدهای سیاسی و رقابت‌های ناشی از آن است. نمونهٔ عینی چنین رقابتی در سطح اول تقسیمات کشوری را می‌توان در فرایند تقسیم استان خراسان مشاهد کرد. رقابت میان شهرهای سبزوار، بجنورد، قائنات و بیرجند برای دست‌یابی به مرکزیت استان‌های خراسان شمالی و جنوبی و همچنین مخالفت متنفذان و گروه‌هایی از مردم با پیوستن فردوس به خراسان جنوبی با مرکزیت بیرجند و درگیری‌ها و شورش‌های ناشی از آن، مصداق‌هایی از رقابت‌های ناحیه‌ای و محلی در فرایند تقسیمات کشوری به‌شمار می‌آید. به‌نظر می‌رسد در سطوح پایین‌تر تقسیمات کشوری، به‌دلیل افزایش تعصب و حس مکانی، این رقابت‌ها به‌میزان زیادی افزوده می‌شود. علت اصلی این‌گونه رقابت‌ها میان واحدهای تقسیمات کشوری برای ارتقای وضع موجود، آن است که در ایران با ارتقای میان سطوح تقسیمات کشوری، بودجه و امکانات و تسهیلات بیشتری در اختیار واحد سیاسی ارتقایافته قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، در ایران یک واحد تقسیمات کشوری ابتدا باید ارتقا پیدا کند، سپس به امکانات و تسهیلات و همچنین بودجهٔ بیشتر دست یابد؛ درحالی که از لحاظ علمی و منطقی، واحد تقسیمات کشوری باید دارای پاره‌ای از امکانات و تسهیلات بشود و سپس در میان واحدهای تقسیمات کشوری ارتقا پیدا کند. افزایش ارزش زمین و مسکن در شهرهای بجنورد و بیرجند به‌علت ارتقای آن‌ها از مرکزیت شهرستان به مرکزیت استان بوده است.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

این امر باعث تبدیل تلاش‌های توسعهٔ درون‌زا برای بالفعل کردن ظرفیت‌های منطقه‌ای و محلی برای ارتقای سطح به رقابت و چانه‌زنی سیاسی و نیز باعث تشدید اختلاف‌های محلی در نتیجهٔ اتصال و انقطاع واحدهای سرزمینی به‌منظور دست‌یابی به آستانهٔ جمعیتی و تراکم لازم برای ارتقا شده است (رهنما و احمدی‌پور، 1382: 47). بنابراین، اکثر رقابت‌ها وحتی درگیری‌ها و آشوب‌های ناحیه‌ای برای دست‌یابی‌به امکانات و تسهیلات بیشتر و همچنین احساس محرومیت صورت می‌گیرد.

3-6- بی‌توجهی به مشارکت مردم در قانون تقسیمات کشوری

تقسیم سیاسی فضا باید بتواند برای مشارکت نهادینه و مستمر مردم، زمینه‌ها و بسترهای مناسبی را فراهم کند. در عین حال، آزادی عمل فردی را در تمام کنش‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، بدون مراجعه به دولت مرکزی تضمین کند. لازمهٔ دست‌یابی به چنین هدفی، کوچک و کوچک‌تر شدن مقیاس دموکراسی تا سطح روستاهاست. این روند نه‌تنها زمینهٔ کارآمدی و پویایی کنش‌های متقابل مردم- محیط را در طرح قانون‌سازی و اجرا مهیا می‌کند؛ بلکه بار اضافی بر دوش دولت را پایین می‌آورد. خودگردانی باید به کوچک‌ترین واحدهای سیاسی درون‌کشوری برسد و البته لازمهٔ دست‌یابی به این هدف، اعتماد به مردم، انگیزه‌ها، کارایی، تصمیم‌سازی و نبوغ دسته‌جمعی آنان است (کریمی‌پور و محمدی، 1388: 205-206). اما قانون تقسیمات کشوری در رابطه مردم و سکنه واحدهای تقسیمات کشوری یا نهادهای مردمی و مدنی با سازمان حکومتی و مدیریتی آن سکوت کرده است؛ درحالی که تقسیمات فضا، نظام مدیریت و رابطهٔ مردم و سکنه با مدیریت سیاسی، خدماتی و اداری سطوح مختلف سازمان تقسیمات اجزای تفکیک‌ناپذیری هستند که باید در قالب یک کلیت و با جامع‌نگری به آن‌ها نگریست (حافظ‌نیا، 1381: 399). بی‌توجهی به نظر و مشارکت مردم در قانون تقسیمات کشوری را می‌توان از دو دیدگاه بررسی کرد: نخست، بی‌توجهی به نظرها و علاقه‌ها و حس مکانی مردم در مورد نحوهٔ تقسیم‌بندی، الحاق، انضمام و جداسازی از واحدهای

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تقسیمات کشوری؛ دوم، بی‌توجهی به فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهـای مشـارکت مـردم در قالب واحدهای تقسیمات کشوری موجود در تمام سطوح. این امـر از کـارکرد مثبـت نظام تقسیمات کشوری به‌شدت کاسته است و باعث شده که مردم آن را تقسیماتی صرفا حکومتی و سیاسی و نامأنوس با علاقه‌ها و نیازهای خود بدانند. بنابراین، از آنجـایی کـه یکی از اهداف اصلی تقسیمات کشوی فراهم‌کردن شرایط مساعد بـرای مشـارکت مـردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خـود و عرضـهٔ خـدمات مطلـوب و ارتقای سطح زنـدگی و تـأمین بهینـهٔ نیازهـای مردمـی و محلـی اسـت؛ لـزوم توجـه بـه مشـارکت مـردم، عقایـد، نظرهـا و وابسـتگی‌هـای عـاطفی آنـان در طراحـی، تـدوین و اجرایی‌سازی نظام تقسیمات کشوری ضروری است.

3-7- تک‌عامله بودن قانون تقسیمات کشوری

در جهان کنونی، جمعیت نیز مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر نقش و کارکرد پیشین خود را دگرگون‌یافته می‌بیند. رشد سرسام‌آور جمعیت و توزیع نامتعادل فضایی آن به مشکلات و معضلات و کاهش امنیت در جوامع کنونی منجر شده اسـت (ناصـری و رحیمـی‌نـژاد، 1374: 7). در ایران به‌دلیل پراکندگی نامتوازن جمعیت (به‌علـت ویژگـی‌هـای طبیعـی) و توجه صرف به آن در قانون تقسیمات کشـوری، اسـتان‌هـای شـرقی- مرکـزی و جنـوبی وسعت زیادی پیدا کرده‌اند (شکل 4). در قانون تقسیمات کشوری مصوب سال 1316ش، مبنای واحدسازی اغلب تک‌معیاری و بر پایهٔ تعداد جمعیـت درنظـر گرفتـه شـده اسـت؛ درحالی که آنچه تقسیم می‌شود، فضاست که جمعیت یکی از عناصر محتوایی آن است.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

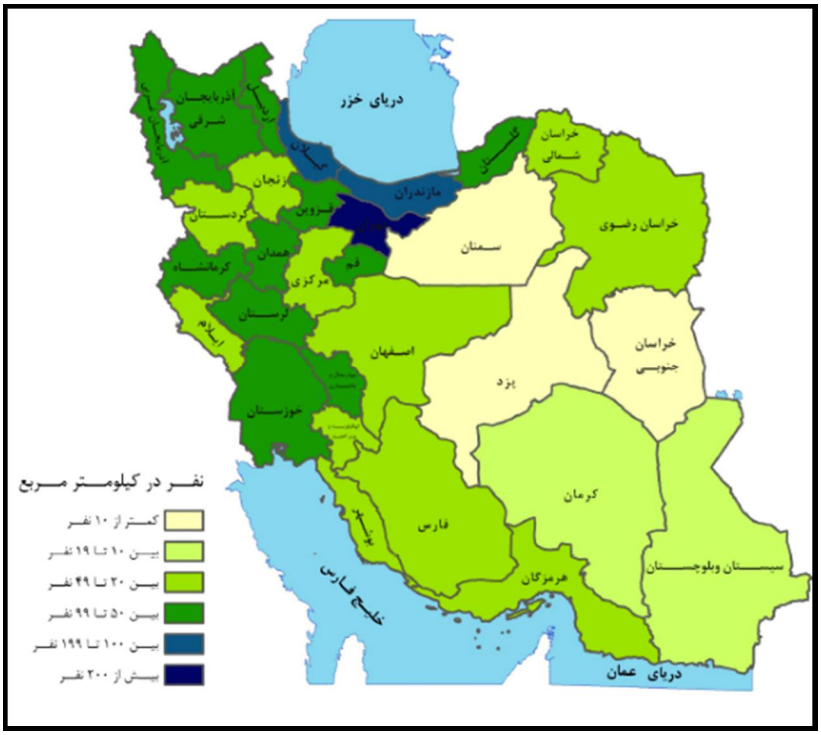

شکل 4 رابطهٔ بین تراکم جمعیت و وسعت استان‌های کشور

(منبع: مرکز آمار ایران سرشماری عمومی سال 1385)

البته شاید درنظر گرفتن عامل جمعیت در فضاهای جغرافیایی که دارای تجانس و نیز پراکندگی متعادل باشند، تا اندازه‌ای واقع‌بینانه باشد. ولی در مورد فضای جغرافیایی ایران که در آن ساختار طبیعی و توپوگرافیک نامتجانس، الگوی پخش جمعیت و منابع و بنیادهای زیستی نامتعادل و نامتوازن، شبکه ارتباطی ناقص و جمعیت و گروه‌های فرهنگی و قومی نامتجانس است، بسنده نکردن به عامل جمعیت در طراحی تقسیمات کشوری و درنظر گرفتن الگوی ترکیبی و چندمعیاری برای سازمان‌دهی سیاسی فضا ضروری است. بدیهی است در این الگوی ترکیبی، باید به معیارها و عوامل توپوگرافیک، وسعت فضا، دسترسی، پراکندگی سکونت‌گاه‌ها، جمعیت، همسایگی، بنیادهای زیستی، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و درجهٔ تجانس آن‌ها، ساختار اقلیمی، ساختار فرهنگی- قومی و... توجه کرد تا امکان دست‌یابی به الگوی متوازن‌تر تقسیمات فضا فراهم آید (حافظ‌نیا، 1381: 397).

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

آنچه باید در قانون تقسیمات کشوری مورد توجه قرار گیرد این است که آنچه قرار است تقسیم شود فضای جغرافیایی است نه جمعیت کشور. علاوه‌بر این به‌نظر می‌رسد ویژگی‌های فضای جغرافیایی کشور به‌گونه‌ای است که در برخی از مناطق کشور باید پراکندگی و تراکم کم جمعیت (مناطق شرقی و مرکزی)و ویژگی‌های فضایی حاکم بر این مناطق مبنایی برای تقسیم فضای سرزمین قرار بگیرد نه افزایش جمعیت و رسیدن به یک سقف جمعیتی مشخص.

4- تحلیل و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، تهدیدهای سیاسی- امنیتی نظام تقسیمات کشوری شامل هفت عامل است: افزایش تمرکز سیاسی- اقتصادی، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور، شکل‌گیری رقابت‌های محلی و ناحیه‌ای، شکل‌گیری حفره‌های دولت، رخنهٔ عوامل غیررسمی در نظام تقسیمات کشوری، بی‌توجهی به مشارکت مردم و تک‌عامله بودن قانون تقسیمات کشوری. در میان این تهدیدها، افزایش تمرکز اداری- سیاسی نقش بسیار مهمی دارد. از آنجایی که یکی از کارکردهای تقسیمات کشوری، تسهیل در امور منطقه‌ای و ادارهٔ بهتر ناحیه و درنتیجه تمرکززدایی است؛ تقسیمات کشوری در ایران تحت تأثیر طراحی حکومت مرکزی، کارکردی کاملا عکس از خود نشان داده است؛ به این صورت که افزایش تعداد واحدهای تقسیمات کشوری در تمام سطوح، به‌جای تمرکززدایی، موجب افزایش بیش از پیش تمرکز حکومت شده است. این امر به‌دلیل نداشتن اختیارات لازم در تصمیم‌گیری‌های امور منطقه‌ای و محلی و همچنین در امور اداری- اجرایی سطوح مختلف تقسیمات کشوری ایجاد شده است. به‌دلیل آنکه این افزایش همراه با تفویض اختیارات همراه نبوده است، نظام تقسیمات کشوری نتوانسته به کاهش تمرکزگرایی و کاهش دیوان‌سالاری حکومت کمکی کند. به‌عبارت دیگر، در ایران یک واحد تقسیمات کشوری- که در فضای جغرافیایی مشخص شکل گرفته است- با تبدیل شدن به چند واحد، نه‌تنها در میزان اختیارت محول‌شدهٔ آن‌ها تغییری صورت نمی‌گیرد؛ بلکه با افزایش تعداد واحدهای سیاسی در همان فضای جغرافیایی، باعث گسترش بوروکراسی و تمرکز بیشتر امور می‌شود. این تمرکز شدید باعث شکل گرفتن چالش‌های دیگری در نظام

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تقسیم‌بندی سیاسی سرزمین نیز شده است؛ ازجمله بی‌توجهی به مشارکت مردم، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور، رخنهٔ عوامل غیررسمی، بی‌ثباتی الگوی تقسیمات کشوری و... . اشاره کرد. بنابراین می‌توان مهم‌ترین چالش نظام تقسیمات کشوری را نداشتن اختیار تصمیم‌گیری واحدهای تقسیمات کشوری و درنتیجه، کارکرد منفی آن‌ها در افزایش تمرکز حکومت دانست.

یکی دیگر از چالش‌های سیاسی و امنیتی، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور است که می‌تواند باعث تشدید رقابت‌های ناحیه‌ای و محلی میان اقوام مختلف مستقر در درون واحد تقسیمات کشوری (استان) شود. این چالش هنگامی شدیدتر می‌شود که اقوام مختلف در واحد تقسیمات کشوری (استان) به امکانات و پست‌های مدیریتی دسترسی برابر و عادلانه‌ای نداشته باشند. همچنین، این وضعیت از مشارکت تمام اقوام ایرانی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی خواهد کاست و موجب کاهش هم‌بستگی و اتحاد ملی خواهد شد. رخنهٔ عوامل غیررسمی در نظام تقسیمات کشوری و شکل‌گیری حفره‌های دولتی در واحدهای تقسیمات کشوری از دیگر عناصر تهدید سیاسی- امنیتی در الگوی تقسیمات کشوری است. مورد نخست از اهمیت قوانین تقسیمات کشوری می‌کاهد و فرایند ایجاد و ارتقای واحدهای تقسیمات کشوری را از روند علمی و منطقی خارج می‌کند. حفره‌های دولتی شکل‌گرفته در استان‌های شرقی و جنوب‌شرقی نیز ناشی از کارکرد ناموفق نظام تقسیمات کشوری در کنترل و اعمال قانون در تمام فضاهای جغرافیایی کشور است. از دیگر تهدیدهای سیاسی- امنیتی نظام تقسیمات کشوری می‌توان به مشکلات و کمبودهای موجود در قانون تقسیمات کشوری اشاره کرد؛ ازجمله 1- عواملی که در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به آن‌ها اشاره نشده است؛ مانند مشارکت مردمی و توجه به نظر مردم در فرایند تقسیمات کشوری. 2- مواردی که به آن‌ها بیش از اندازه تأکید شده است؛ مانند تک‌عامله بودن قانون تقسیمات کشوری و توجه صرف به عامل جمعیت در شکل‌گیری و ارتقای واحدهای تقسیمات کشوری.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

5- قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از حمایت‌های مرکز مطالعات، تحقیقات و آموزش وزارت کشور، به‌دلیل فراهم کردن شرایط و بسترهای انجام طرح تحقیقاتی با عنوان «تحلیل منابع تهدید در تقسیمات کشوری ایران و ارائهٔ الگوی بهینه»- که مقالهٔ حاضر برگرفته از این طرح است- سپاس‌گزاری کنند.

6- منابع

- احمدی‌پور، زهرا و علیرضا منصوریان، «تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (1357-1285)»، *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، س2، ش1، بهار 1385.
- احمدی‌پور، زهرا، قاسم قنبری و عاطفه عاملی، «تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای سطوح تقسیمات کشوری: مطالعهٔ موردی شهرستان‌های استان فارس»، *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، س5، ش1، بهار و تابستان 1388.
- اخباری، محمد و محسن یداللهی، «فرایند تصمیم‌گیری تقسیم استان خراسان و آثار سیاسی- اجتماعی آن»، *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، س2، ش1، بهار 1385.
- اخباری، محمد و حسین ذوالفقاری، «تحلیل ژئوپلیتیک قومیت در ایران با تأکید بر فرصت‌آفرینی با چالش‌زایی»، *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، س5، ش3، زمستان 1388.
- افروغ، عماد و محمدرضا رضوانی، *مطالعات طرح جامع تقسیمات کشوری، گزارش نهایی مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، تهران: وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری، 1379.
- بدیعی، ربیع، *جغرافیایی مفصل ایران*، تهران: اقبال، 1362.
- بهاروند، امان‌اله، «بررسی علل گوناگونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی»، *فصلنامهٔ مطالعات راهبردی*، ش9، پاییز 1380.
- پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- پورموسوی، سیدموسی، مهدی میرزاده کوهشاهی و جهانبخش رهنما قره‌خانبگلو، «سازمان‌دهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران»، *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، س4، ش3، پاییز و زمستان 1387.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و مریم امیدی آوج، «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، س5، ش1، بهار و تابستان 1388.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا، «چالش‌های جامعهٔ ایران از منظر جغرافیای سیاسی»، *فصلنامهٔ پژوهش‌های جغرافیایی*، ش57، صص1-13، پاییز 1385.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت، 1381.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی‌راد، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: سمت، 1383.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، محمد قصری، حمید احمدی و حسین حسینی، «قومیت و سازمان‌دهی سیاسی فضا (مورد: غرب و شمال‌غرب کشور)»، *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، ش2، زمستان 1384.
- خوبروی، محمدرضا، *نقدی بر فدرالیسم*، تهران: مؤسسهٔ چاپ و نشر شیراز، 1377.
- دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور، *طرح جامع تقسیمات کشوری، خلاصهٔ مطالعات گروه‌های مطالعاتی*، مرحلهٔ اول، 1378.
- رحمان‌سرشت، حسین، *تمرکز و عدم تمرکز سازمانی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، 1372.
- رهنما، محمدرحیم و زهرا احمدی‌پور، «درجه‌بندی نظام تقسیمات کشوری»، *فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی*، مشهد، 1382.
- سنجابی، کریم، *حقوق اداری در ایران*، تهران: چاپ زهره، 1342.
- شیخاوندی، داوود، *زایش و خیزش ملت*، تهران: ققنوس، 1369.
- طاهری، ابوالقاسم، *حکومت‌های محلی و عدم تمرکز*، تهران: قومس، 1370.
- قالیباف، محمدباقر، *حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران*، تهران: امیرکبیر، 1386.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- کاویانی‌راد، مراد، *ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی*، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات راهبردی، 1389.
- کاظمی، علی‌اصغر، *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران: قومس، 1376.
- کریمی‌پور، یدالله، *مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران*، جلد نخست: *وضع موجود*، تهران: انجمن جغرافیایی ایران، 1381.
- کریمی‌پور، یدالله و حمیدرضا محمدی، *ژئوپلیتیک ناحیاگرایی و تقسیمات کشوری ایران*، تهران: انتخاب، 1388.
- مدیرشانه‌چی، محسن، *تمرکزگرایی و توسعه‌نیافتگی در ایران معاصر*، مؤسسهٔ خدمات فرهنگی رسا، 1379.
- مویر، ریچارد، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمهٔ دره میرحیدر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، 1379.
- ناصری، محمدباقر و محمدکاظم رحیمی، *جمعیت و امنیت اجتماعی*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، دفتر سیاسی، 1374.
- نبوی، مصطفی، *تمرکز و عدم تمرکز اداری سیاسی در ایران*، سازمان چاپ خواجه، 1351.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]